

# دژگل خندان

و

بقعه سلطان مطهر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته

حسن قراخانی

(لیسانسیه در باستانشناسی)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## دژ گل خندان و بقعه سلطان مطهر

### مقدمه :

در خرداد ماه سال ۱۳۵۳ نگارنده بنا به اقتضای شغل و حرفه اصلی خود ، ضمن بررسی آثار باستانی مشرق تهران با دو اثر ارزنده تاریخی مواجه گردید. تحقیقی که در احوال این دو اثر صورت گرفته است پس از اشاره ای کوتاه به پیشینه درخشان و موقعیت فعلی منطقه مزبور از نظر خوانندگان ارجمند خواهد گذشت. مشرق تهران را سرزمین پهناور و حاصلخیزی تشکیل میدهد که از قدیم الایام از برکت وجود قسمتی از ارتفاعات البرز و شعبات متعدد رودخانه جاجرود و دره های سرسبز ، آثار ارزشمندی در حول و حوش آن جا گرفته است. ناحیت مزبور بر طبق روایات مورخان اسلامی یکی از غربی ترین و درعین حال آبادترین ایالت قومس یا کومس قدیم بوده است و حالیه شامل مناطق افجه ، لواسان - بزرگک ، لواسان کوچک ، رودبار قصران و گرمسار میباشد.

قومس قدیم بین کوه های البرز در شمال و کویر لوت در جنوب محصور بوده است که امروزه قسمتی از آن جزء خراسان کنونی شده

وقسمت غربی آن نیز یکی از نواحی ری یعنی طهران فعلی گردیده است.<sup>۱</sup>

در این قسمت از قومس شهرهای آبادی بوده است که نام برخی از آنها در کلام عده‌ای از مورخان جاری شده است. لسترنج بنقل از صورت الارض و نزهت القلوب از شهری آباد بنام خوار یاد میکند که امروزه گرمسار را جایگاه خوار باستانی میدانند<sup>۲</sup> بعلت وجود بریدگیهای از سلسله جبال البرز، در این منطقه دژهای استواری را نیز در قدیم پی افکنده اند که معروفترین آنها دژ اردهن، دژ استوناوند و دژ فیروزکوه بوده است. یاقوت دژ اردهن را که بوسیله ابوالفتح خواهرزاده حسن صباح بتصرف اسماعیلیان درآمد از اعمال ری دانسته و فاصله بین آندو را سه روز راه ذکر کرده است و هم او دژ استوناوند را در ۱۲ فرسخی ری یاد میکند. جایگاه فعلی دو دژ اخیر بطور قطع برای محققان و باستانشناسان معلوم نیست لیکن بقایای دژ فیروزکوه هم اکنون برفراز پشته‌ای عظیم برجای مانده است که گویا بعد از انهدام آن توسط تیمور هرگز رونق گذشته خود را بازیافته و نامبرده گشودن دژ فیروزکوه را مقدم بر تسخیر سمرقند دانسته است.<sup>۳</sup> پیشتر گفتیم که لواسان بزرگ یکی از مناطق شرقی تهران است و در جنوب رودخانه جاجرود گسترده شده، حوالی بستر سیاهرود در این منطقه بنام محال سیاهرود معروف است. اینک به شرح دژ گل خندان و بقعه سلطان مطهر در محال سیاهرود مبادرت میشود:

۱- ص ۲۸۹ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. لسترنج. ترجمه عرفان

۲- گرمسار (خوارری) تألیف نوش آذراسدی چاپ بانک بازرگانی سال ۱۳۴۶

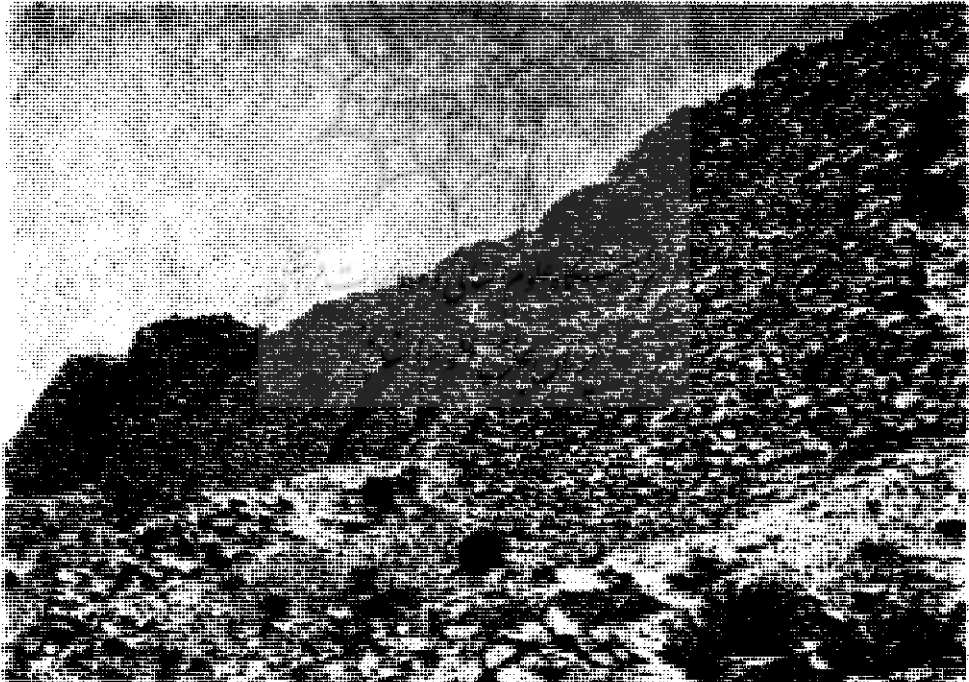
۳- جامع‌ترین توصیف این دژ و همچنین شرح ویرانی آن توسط تیمور را کلاویخو

آورده است: ص ۱۸۰ سفرنامه کلاویخو ترجمه رجب نیا

## دژ گل خندان :

این دژ در وسط دهی بهمین نام و در ۸ کیلومتری جنوب راه اسفالت رودهن به طهران قرار گرفته است. دژ نامبرده بر بالای پشته‌ای عظیم که مشرف به محل تلاقی دو رودخانه رودهن و بومهن میباشد واقع شده و ظاهراً با اسلوب خاص دوره ساسانی بنا گردیده است. حصار عظیم از قلوه سنگهای درشت دورتادور دژ مستطیلی را فرا گرفته و در چهار گوشه آن چهار برج توپر مدور بمنظور دفاع و استحکام بیشتر ایجاد کرده‌اند. (عکس ۱). برآمدگی شمالی

شکل ۱ :



دژ گل خندان . حصار و برجهای دفاعی قلعه از جبهه غربی

دژ که ادامه سنگی و پشت ماهی آن تامحوطه دهکده مزبور کشیده شده بمنزله مدخل قلعه بوده است و احتمالاً در این قسمت دروازه هلالی دژ قرار داشته که بر اثر مرور زمان از بین رفته است. ظاهراً در تمام دورانها، ورودی اینگونه قلعه ها را دروازه های هلالی رفیعی تشکیل میداده است که دو برج دفاعی در طرفین آن ایجاد میکرده اند، بعنوان مثال میتوان از دروازه قلعه دختر سیانه نام برده که در قرن ۷ هجری و مقارن با اعتلای دژ گل خندان تجدید بنا گردیده است. (عکس ۲).

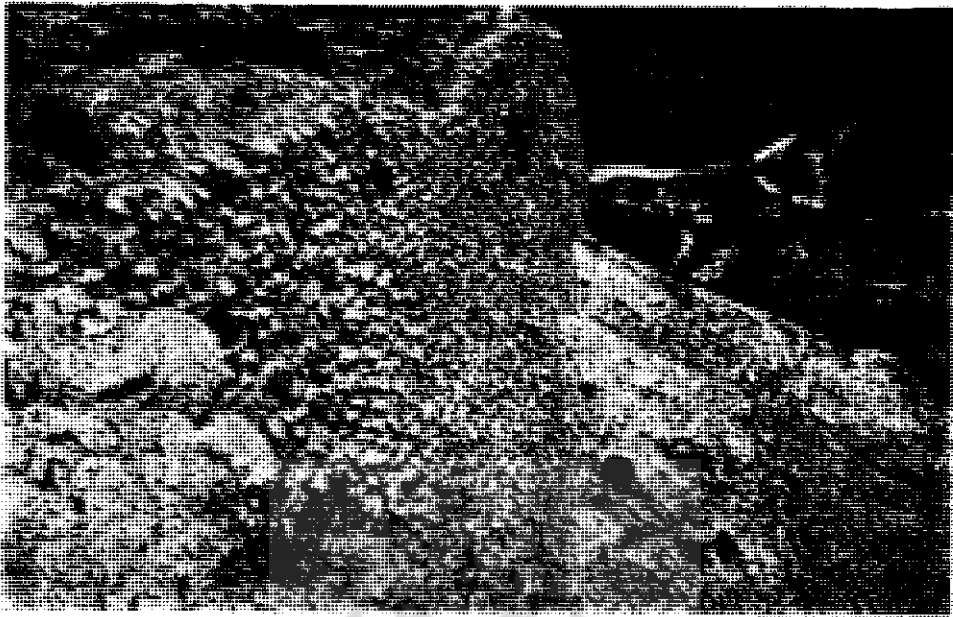


شکل ۲ :

دروازه قلعه دختر میانه (قرن ۷ هجری) .  
مدخل گل خندان احتمالاً چنین وضعیتی  
داشته است .

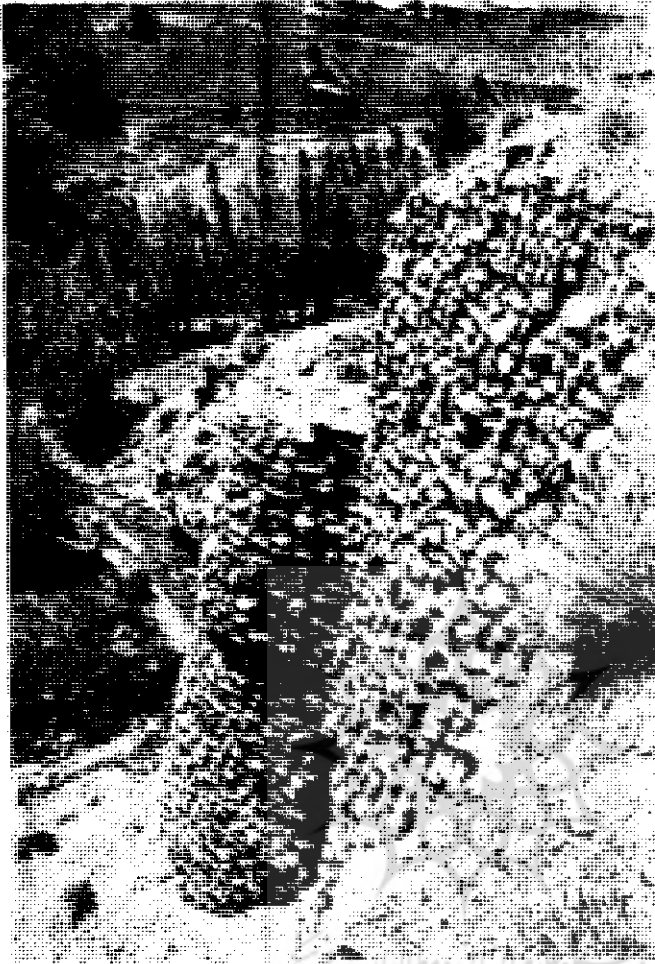
پشته طبیعی که دژ بر فراز آن استوار شده با شیب تند مشرف به دره سرسبزی است و سنگچین حصار دژ از قعر آن شروع گردیده است. (عکس ۳). این دیوار مستحکم با سنگهای ریز و درشت و ملاط گچ و آهک، با ارتفاع ۹ متر در جبهه شرقی و غربی کاملاً سالم مانده است. برجهای توپر دیوار غربی تا حدودی از گزند حوادث مصون مانده و جلوه خاصی به مجموعه دژ بخشیده است ، اینگونه حصار

شکل ۳ :

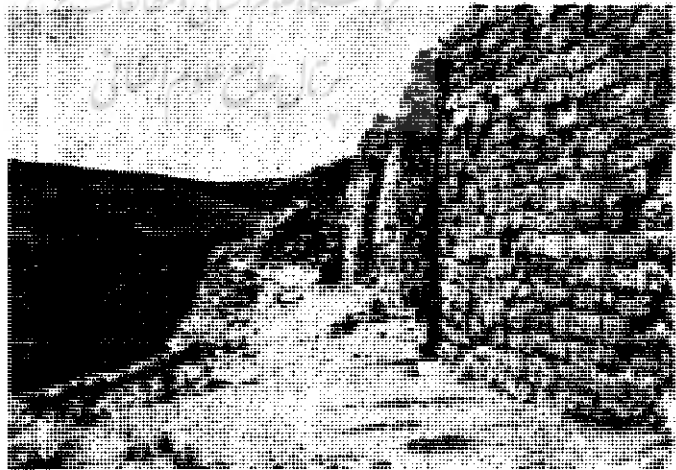


جبهه شرقی دژ مشرف به رودخانه بومین

سازی و تعبیهٔ برج را در اکثر قلاع دورهٔ ساسانی و اسلامی میتوان دید و در بعضی موارد نظیر حصار تخت سلیمان نمای آنرا با سنگهای تراش ترتیب داده‌اند (عکس ۴ و ۵). بعلت ریزش بناهای داخل قلعه، وضعیت آنها کاملاً مشخص نیست. یکی از جالب‌ترین قسمت‌های داخلی، گذرگاه مخفی وحشتناکی است که در جبههٔ غربی ایجاد شده و احتمالاً بوسیله پلکان‌های دو طرفه از آن بالا می‌رفته و وارد قلعه می‌شده‌اند، این گذرگاه تا قعر دره که در حدود ۵۰ متر است امتداد دارد (عکس ۶). در این دژ اطاقها و تالارها و آب انبارهایی تعبیه گردیده و در یک مورد میتوان راه آبی را که دارای پوشش گهواره‌ایست مشاهده کرد، احتمالاً آب باران از این مجرا به بیرون قلعه جاری می‌شده است. (عکس ۷) در محوطهٔ دژ سفالهای متنوعی از دوران



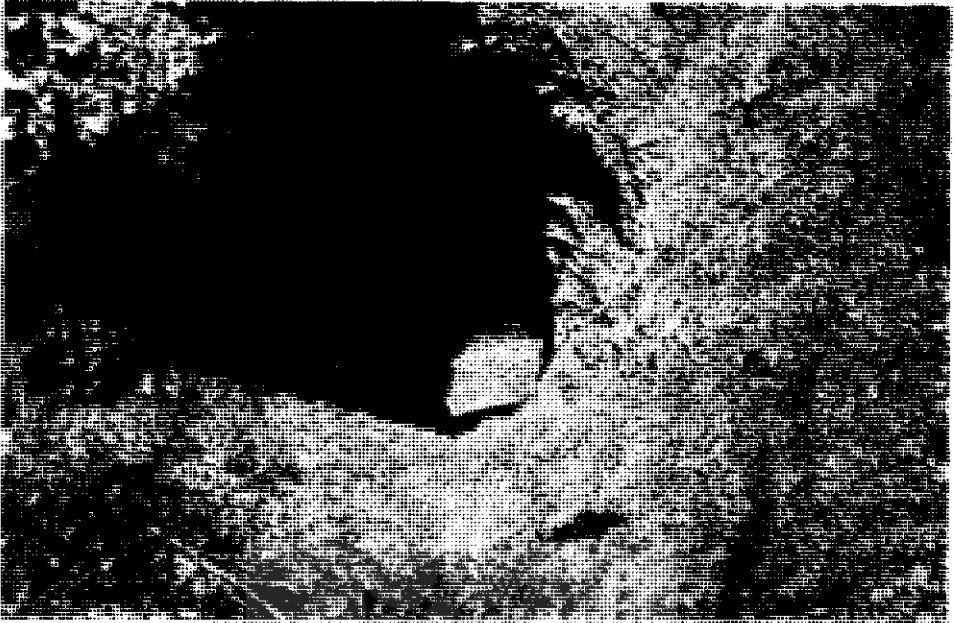
شکل ۴ :  
برج دفاعی دژ محل خندان



شکل ۵ :  
حصار و برجی از تخت سلیمان  
مربوط به عصر ساسانی .

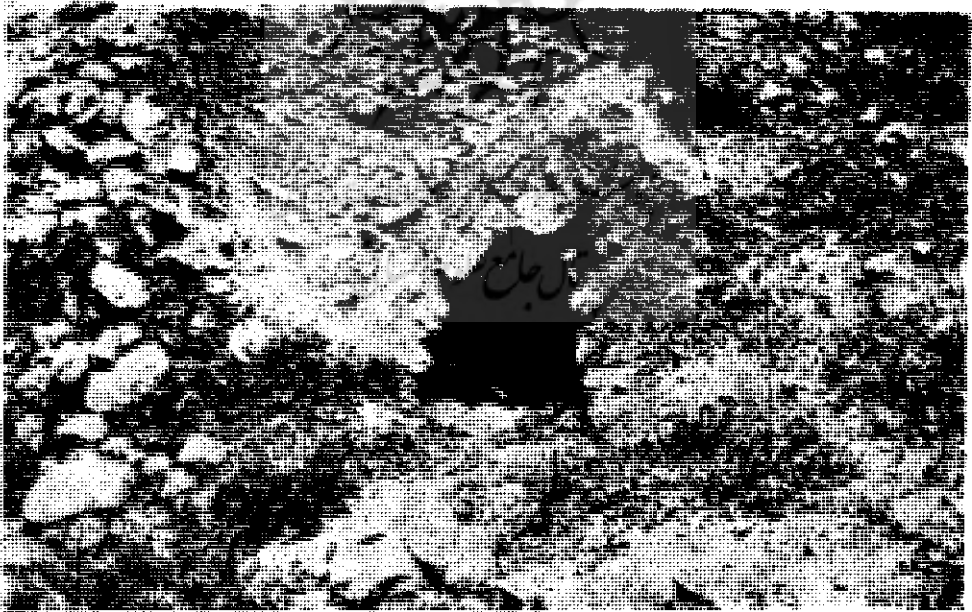


شکل ۶ :



مدرگاه مغلی جبهه غربی دژ گل خندان

شکل ۷ :



آبرو مسقف با پوشش همواره‌ای دژ گل خندان

ساسانی تا قرن ۱۰ هجری میتوان دید و ظاهراً در اعصار مختلف مورد استفاده قرار گرفته است.

سید ظهیرالدین مرعشی صاحب تاریخ گیلان و دیلمستان، عظمت این دژ را ستوده است و می گوید که خود وی در حوالی سنه ۸۵۲ هـ ق با سیصد جنگی بر ملک کاوس یکی از امرای محلی آن سامان، تاخته و وی را منمزم کرده است.<sup>۴</sup>

بر طبق مندرجات حبیب السیر، شاه اسماعیل نیز جمعی از رستمدریان را درین قلعه به هلاکت افکنده است و در این باره چنین میخوانیم: «قلعه گل خندان که محل توطن جمعی کثیر از رستمدریان بوده حصاریست مانند بروج سپهر دوار، از سنگ حوادث مصون و بسان قلعه گردون فیروزکار از کمند نواب مأمون، خندق عمیقش چون میدان امل در غایت وسعت و خاکریز بلندش مثال همت خردمند در کمال رفعت. شعر:

قلعه‌ای همچو قلعه الوند      کنگرش ایمن از کمند گزند  
ساحت او سپهر مینا قام      گل خندان گلبنش بهرام

و چون ماهیچه رایات فیروزی فرجام پرتو وصول بر نواحی آن حصار انداخت، کوتوال بد افعالش ابواب مخالفت و عصیان برگشاد و دروب قلعه بر روی خود بسته، انداختن تیروسنگ آغاز نهاد، غازیان عظام و مجاهدان موکب فلك احتشام آن قلعه را چون نگین در انگشتری احاطه نموده روز اول بترتیب اسباب قلعه گیری پرداختند و صباح روز دوم از هر چهار طرف جنگ در انداختند و فتح آن حصن حصین را پیش نهاد همت خود ساختند...<sup>۵</sup>

۴- ص ۲۸۳ تاریخ گیلان و دیلمستان تألیف سید ظهیرالدین مرعشی، تصحیح منوچهر ستوده. چاپ بنیاد فرهنگ

۵- نقل با اندکی اختصار از ص ۴۷۵ حبیب السیر ج ۴ تألیف خواندمیر چاپ سربلی جدید.

### بقعه سلطان مطهر :

در حاشیه ده بومهن در ۵۲ کیلومتری شمال شرقی تهران و برسر راه تهران به اَبعلی قرار گرفته است. روستای بومهن دارای مزرعه‌ای بنام مراد تپه می‌باشد که در گوشه و کنار آن تپه‌های باستانی متعددی نیز موجود است ، دمرگان فرانسوی از بومهن و مزرعه آن یاد کرده لیکن نامی از آثار آن نبرده است.<sup>۶</sup> طرح کلی بقعه عبارت است از پای بست ۸ ضلعی با گنبد ۸ ترک که در نوع خود بسیار هنرمندانه بنا گردیده است . این گونه بناها ، با گنبد رَک در معماری ایران و بخصوص در شمال و شمالغربی کشور سابقه ممتدی دارد و آقای پیرنیا سبک معماری آن‌ها را تجلی شاخصی از سبک ری در معماری ایران دانسته است .<sup>۷</sup>

این سبک معماری بعلاوه اوضاع طبیعی و جوی خاص در شمال ایران دوام و بقاء بیشتری یافته است و از نمونه‌های آن میتوان امامزاده عبدالله و امامزاده کمال در فارسجین و برج سلطان در بابل و امامزاده ابراهیم در بابلسر و بسیاری بقعه‌های دیگر نظیر آنها را نام برد .

قسمت‌های اساسی بقعه سلطان مطهر عبارت است از :

### الف - حیاط و ایوان بقعه :

حیاط مستطیلی بقعه دارای کتیبه‌های سنگی مقابر همجوار بقعه است که بعداً از نظر خواهیم گذراند. ایوان بقعه در ۵۰

۶- ص ۱۵۳ خاطرات هیئت علمی فرانسوی در ایران . تألیف دمرگان ج ۱ ترجمه ودیمی . ۱۳۳۸ - دانشگاه تبریز .

۷- در باره اینگونه بناها نگاه کنید به مقاله جامع پرویز ورجاوند در مجله باستانشناسی و هنر ، شماره ۲ بهار ۱۳۴۸ .

سال اخیر توسط خشت و گل و تیرهای چوبی برپا شده است و در حال حاضر ارزش تاریخی ندارد (عکس ۸).

### ب - اطاق مقبره :

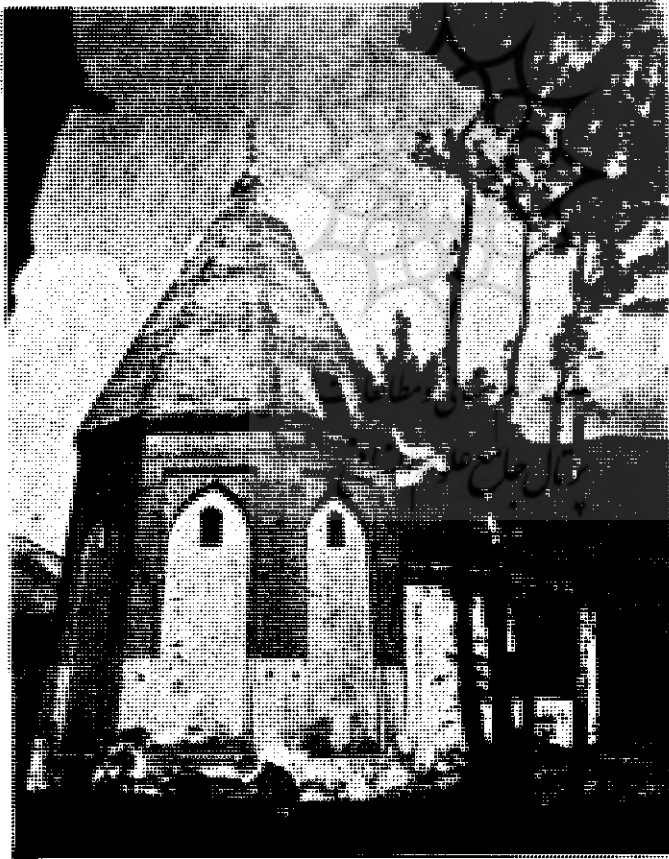
از بیرون دارای قاعده ۸ ضلعی است که طول هر ضلع آن  $3/40$  متر می باشد . مصالح این قسمت منحصراً از آجر است ، نخست ۸۰ سانتیمتر از ارتفاع پای بست را ازاره بنا تشکیل میدهد ، سپس جرزهای اصلی که در واقع ساقه گنبد را تشکیل میدهد شروع میگردد . بر روی هر کدام از جرزها طاقنمایی (نقول) ایجاد شده که در بالای آن نورگیری تعبیه گردیده است

شکل ۸ :

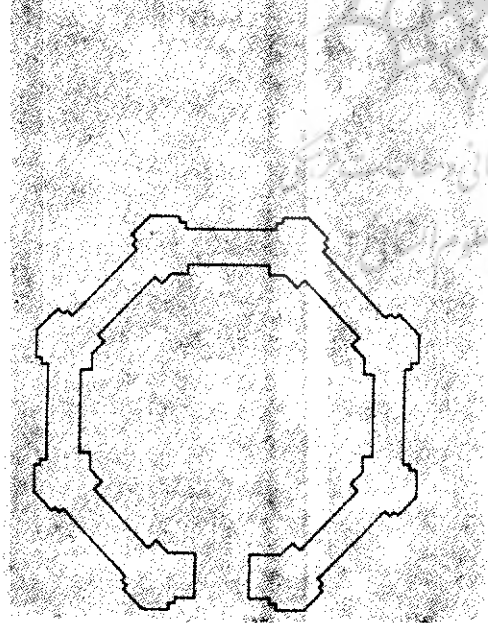
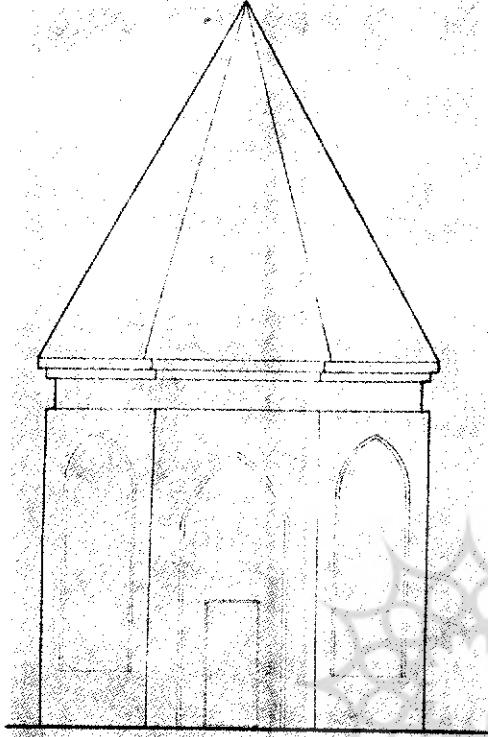


بقعه سلطان مطهر بومهن . حیاط و ایوان جدیدالاحداث

(عکس‌های ۹ و ۱۰) . جالب اینکه طرز آجرچینی جرزها و فرم نقولهای سلطان مطهر شباهت زیادی به برج قربان در همدان دارد (عکس ۱۱). در آخرین رج پای بست ۹ متری سلطان مطهر يك ردیف آجر چینی، منظم دیده میشود که گنبد ۸ ضلعی بر روی آن بنا گردیده است . مدخل بنا دری است با ارتفاع  $1/40$  متر که در طرفین آن دهلیزهایی دیده میشود. در داخل بنا ۸ عدد فرورفتگی محراب مانند و يك حاشیة تزئینی ابتدای شروع گنبد جلب نظر میکند و تمام این قسمت‌ها اخیراً با گچ سفیدکاری شده (عکس ۱۲) و موزائیک‌های جدید هم جلوة ناهماهنگی به کف مقبره داده است.



شکل ۹ :  
اطلاق مقبره از پشت



شکل ۱۰ :

نما و پلان بقعه سلطان مطهر

مقیاس  $\frac{1}{100}$



شکل ۱۱ :  
جرز و نقول (طاقنما) از برج  
قربان همدان



شکل ۱۲ :

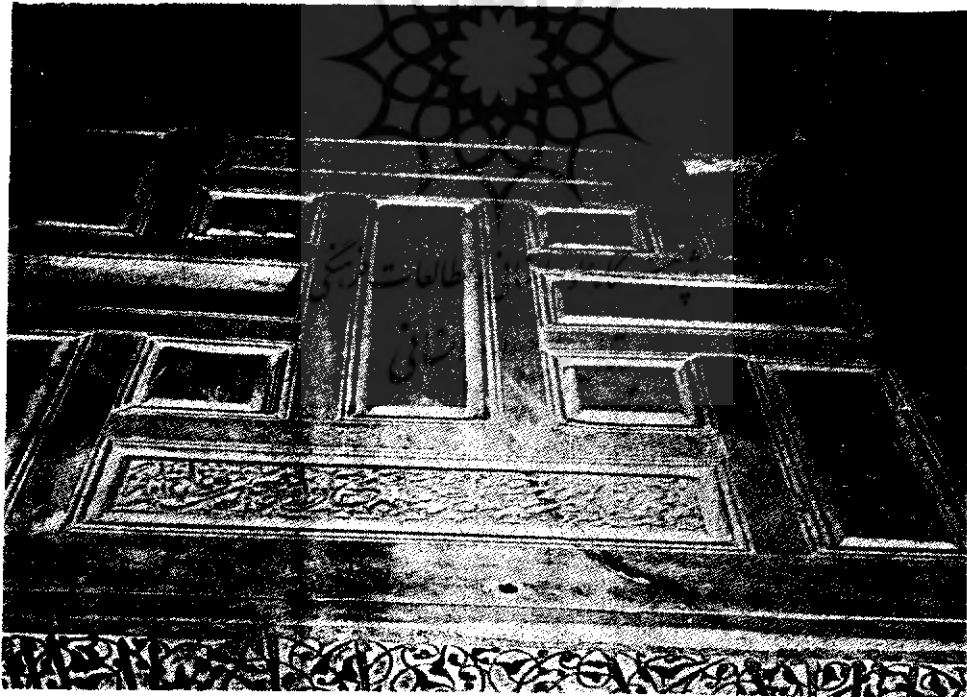
داخل مقبره سلطان مظفر که سفید کاری شده است .

## ج - صندوق چوبی مقبره :

یکی از نفیس ترین صندوق‌های باقیمانده از اواسط قرن ۹ هجریست که تاکنون از آسیب زمان و طمع کج اندیشان مصون مانده و تاریخ ۸۴۷ هـ بوضوح در آن دیده میشود. درحاشیة بدنۀ صندوق قسمتی از سورة بقره (آیة الكرسي) کنده کاری شده و نقوش گل و بوته اسلیمی بین کلمات را با رنگ ثابتی تزئین کرده اند (عکس ۱۳). متن کتیبه چهار قسمتی بالای صندوق بشرح زیر است :

قسمت اول و دوم : امر بعمارة هذا الصندوق المزار المتبرك  
الملك الاعظم جلال الدولة والدين ملك كيومرث .

شکل ۱۳ :



صندوق چوبی بقعه که سال ۸۴۷ هـ را دارد .



قسمت سوم : عمل استاد حسین ابن استاد محمد نجارالکرد .  
 قسمت چهارم : فی [یک کلمه ناخوانا] رجب المرجب سنه  
 سبع و اربعین و ثمانمائه = ۸۴۷ ه. ق. <sup>۸</sup>

#### د - کتیبه‌های سنگی مقابر همجوار :

قدیمترین کتیبه‌های مقابر حیاط بقعه عبارتند از :  
 ۱- کتیبه مربوط به قبر صفا نام در دو رو و بدین شرح :  
 هذا قبر السعید صفا بن شیخ علی غفرالله لهما فی ۲ شهر صفر  
 سنه ۹۵۹ ه. (عکس ۱۴) .

شکل ۱۴ :



سنگ قبر شیخ صفا

۸- این بقعه دارای در مثبت کاری شده باارزشی نیز بوده که تاریخ ۹۶۳ ه. ق. را داشته است . خوشبختانه استاد سید محمدتقی مصطفوی در اطلاعات ماهانه شماره ۶۱ فروردین ۱۳۳۲ نخستین بار از این بنا و تاریخهای روی صندوق و در ورودی آن ذکری بمیان آورده اند .

۲- کتیبه مربوط به قبر شیخ ابراهیم بدین شرح : وفات مرحوم مغفور الی رحمة الله شیخ ابراهیم بن شیخ طالب فی تاریخ شهر محرم سنه ستة وستین وتسعمائه=۹۶۶ هـ. (عکس ۱۵) .

شکل ۱۵ :



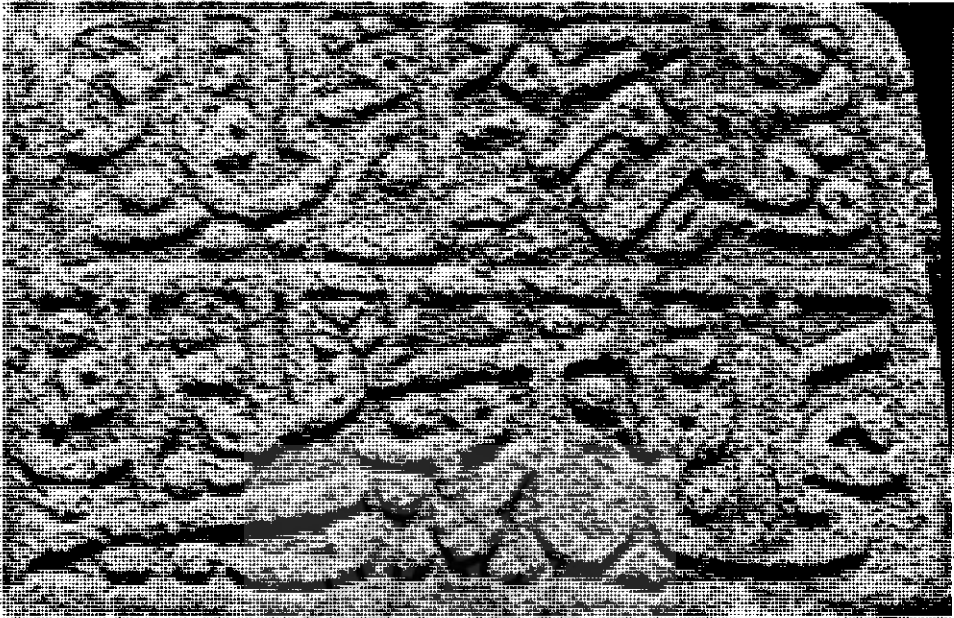
سنگ قبر شیخ ابراهیم

حاشیه عرضی کتیبه : دریغا که بی ما بسی روزگار بروید گل و بشکفد نو بهار

۳- کتیبه مربوط به قبر قلی آقا نام بدین شرح : وفات المرحوم [یک کلمه ناخوانا] قلی آقا ابن علی آقا قارونی فی ستة ثلاثین الف=۱۰۳۶ هـ. (عکس ۱۶)

بقعه ای که شرحش گذشت مدفن سلطان مطهر است که بنا به روایت اهالی ده از اعیان موسی بن جعفر هفتمین امام شیعیان می باشد و بنای مزبور از لحاظ نقشه و شیوه معماری با امامزاده

شکل ۱۶ :



سنگ قبر علی آقا ابن علی آقا .

ابراهیم بابلسر و برج سلطان بابل و برج قربان همدان کاملاً قابل مقایسه می باشد .

### ملك كيومرث بانی صندوق مقبره :

ملك كيومرث یکی از مقتدرترین امرای محلی صفحات شمال بوده است . نامبرده مردی خیر و نیکوکار بوده که زندگی پر حادثه‌ای نیز داشته است . سید ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران خلاصه‌ای از زندگی و شرح فتوحات نامبرده را بدست داده است :

«ملك كيومرث بن بیستون بن گستم بن تاج الدولة زیار<sup>۹</sup> در سنه

۹- شجرة نسب ملك كيومرث درج ۲ معجم الانساب زامباورص ۲۹۱ ذیل بنو بادوسبان درج شده است .

۸۰۸ هـ بحکومت رویان رسید. پس از فتح رویان توسط امیر تیمور، ملک کیومرث در قلعه نور باقی ماند و در همین هنگام اسکندر شیخی قلعه فیروزکوه را از مایحتاج استوار کرده و علم طفیان برافراشت. دوفتر از امیرزادگان باسامی امیرزاده رستم بن عمر و امیر سلیمان شاه بن داود از جانب امیر تیمور مأمور دفع اسکندر شیخی شدند اما در این امر کامیاب نشده و عازم قلعه نور گردیدند، ملک کیومرث را با اسکندر شیخی دشمنی تمام بود و امیرزادگان مزبور از این موضوع استفاده کرده بانیرنگ ملک کیومرث را بیستند و بنزد اسکندر شیخی فرستادند و پیغام دادند که «صاحبقران (امیر تیمور) بیاس خدمات تو، دشمن ترا اسیر کرده و بیای بوس تو فرستاده است»، این حيله امیرزادگان بمنظور دستگیری شیخی مؤثر نیفتاد و شیخی فی الحال ملک کیومرث را خلاص کرده و نامبرده نیز عازم شیراز گردید. ملک کیومرث در شیراز طرفدارانی پیدا کرده بود و بمنظور فتح مجدد نور با جماعت قلندر بدان صوب عزیزت کرد، هواخواهان وی در آنجا مشغول گدائی شده در بخانه در یوزه میگردند و ملک نیز بسدر قلعه میرفت و بهمین حیلت توانست بسداخل راه یابد و در یک فرصت مناسب کوتوال و همشیره او را بکشت و سر هر دو را برداشته به برج قلعه برآمد و فریاد زد ای اصحاب قلعه: «من ملک کیومرث بن رستم دارم که کار کوتوال و عورت او را تمام کردم و سر هر دو این است که در دست دارم، ای نوکرزادگان من به قتل ترکان و مردمان اجنبی کوتاهی نکنید» پس از این حادثه وی مذهب شیعه امامیه را برگزید و با پیروانش بر ملک ری و قومس تاخت ها کرده و در طبرک ری و بسطام و سمنان را بتصرف آورد. نامبرده ۵ فرزند داشت، بزرگتر ملک کاوس و کوچکتر ملک مظفر که بجای پدر نشست<sup>۱۰</sup> «

۱۰- نقل باختصار از تاریخ طبرستان و رویان و ماژندران صفحات ۵۱ الی ۵۴ تألیف مرعشی تصحیح محمد حسین تسبیحی چاپ مؤسسه مطبوعاتی شرق